

## انتخابات در کردستان، روزی تعیین کننده

وایسین نفسهای رژیم منفور پهلوی می انداخت، روزهایی که شاه به حرابه ای آویزان میشد روز بعد به ضد خودش تبدیل شده و بهانه تازه ای بود در دست مردم عاصی برای تعرضی به مراتب کوبنده تر به دم و دستگاه "آریامهر".

صفحه ۲

سوری، جشن نوروز، سیزده بدر، تحرک گسترده و مراسمهای باشکوه به مناسبت ماه مه و حتی روز عاشورا و تاسوعا به ضد رژیم تبدیل شده است. حکومت نظامی اعلام نشده و منع عبور و مرور در ساعات شب در برخی از شهرهای کردستان مرا به یاد روزهای انقلاب ۵۷ و



صلاح ایراندوست  
jilvan@home.com

۲۲ بهمن، سوم اسفند، روز جهانی زن، چهارشنبه

اوضاع سیاسی کردستان پا به پای تحولات سیاسی در ایران روز به روز رادیکالتر و در تقابل جدی با بنیان رژیم جمهوری اسلامی بوده است. در یکسال و نیم گذشته ما شاهد تعرض در اشکال مختلف به وسعت کردستان، از طرف کارگران، زنان آزاده و جوانان پر شور بر علیه رژیم ۲۳ سال جنایت و سرکوب بودیم. تظاهراتهای

نمایشنامه بی خانمان

صفحه ۳

اعدام در سردشت

صفحه ۳

تحصن کارگران

شهرداری مهاباد

صفحه ۴

## عادت به زندگی در اجزای

### حزب توده و حوادث کردستان

همانطور که خودش پرونده خوش خدمتی‌هایش به ارتجاع اسلامی را رو کرده است، بعنوان یکی از افراد خانواده جنبش ملی-مذهبی جریان تازه بقدرت رسیده خمینی را در سرکوب کمونیستها، چپها، کارگران و زنان و جوانان در ایران و مردم انقلابی در

نشریه راه توده شماره ۱۰۶، ارگان جناحی از حزب توده، ضمن نشر کارنامه مزدوری این حزب در چند سال اول سرکار آمدن حکومت اسلامی، در بخشی از آن به "حوادث" کردستان در آن دوره نیز اشاره کرده است. البته حزب توده،



حسین مرادیجانی

## طول موج جدید

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۲۵ متر برابر با

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۸۱ ۶۶۱ ۱۰۹۹

مرکز اطلاعات و پیامگیر

۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷

را بوضوح نشان داده است که اینها نمیخواهند و نمی توانند

دردی از دردهای جامعه را درمان نمایند. در زمان جنگ ارتجاعی‌شان برای داغ نگه داشتن کوره جنگ، کارگران را تحت عنوان اینکه مملکت در جنگ است، درگرسنگی قرار دادند و مطالباتشان را نشنیده گرفتند و یا سرکوب ساختند. بعد از جنگ، و در دوران "سازندگی" جناب رفسنجانی سیاست فاشیستی و تفرقه اندازانه در بین کارگران "ایرانی" و "مهاجر" را در پیش گرفتند تا بدینوسیله از طرفی

صفحه ۴

## بیکاری، کارگران مهاجر و هیستری فاشیستی رژیم اسلامی

وکسی نیست نداند که علاوه بر فلاکت اقتصادی مردم بیش از دو دهه زندان، شکنجه، اعدام، جنگ و کشتار، بیکارسازی در کنار این فقر وسیع، چه فجایعی ببار آورده است و میلیونها انسان را، هر چه بیشتر در اعماق بیکاری و بدبختی و ناامنی اجتماعی و معیشتی قرار داده است.

تمام دروغپردازیها و ادعاهای سران این رژیم جنایتکار در بیست و دو سال اخیر برای کارگران و مردم این حقیقت



علی عبدالی

تازه این آماری است که از جانب برخی از مقامات رژیم اسلامی اذعان میشود در حالیکه دامنه این فاجعه و وجود فقر و بیکاری در ایران بسیار وسیعتر از اینهاست

این روزها بار دیگر سران رژیم اسلامی به تقلا و تلاشهای مذبوحانه همیشگی جهت رها ساختن یقه خود از دست کارگران بیکار و توده های معترض مردم دست زده و به یاهو گوئی و منحرف ساختن افکار عمومی در مورد مشکل بیکاری در ایران رو آورده‌اند. طبق یک سری آمار نیمه رسمی رقمی بیش از ۱۵ در صد از مردم ایران در فقر مطلق و بیش از ۲۵ در صد در فقر نسبی بسر می برند،

## ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj\_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## •• حزب توده ••

که اکنون دارند به آن "افتخار" میکنند. اما علیرغم این "خدمات گرانبها" بعداً توسط خمینی به اپوزیسیون از درون حکومت اسلامی رانده شده و مورد بی مهری قرار گرفت و خود نیز سرکوب گردید. با بالا رفتن پرچم "اصلاح طلبان" این حزب نیز جان تازه ای گرفت و انگار چیزی روی نداده باشد، دست در دست "بچه های قدیمی سپاه و اطلاعات" این بنیانگذاران دستگاه شکنجه و کشتار و ارباب و خفقان، کسب و کار گذشته را از سر گرفته هرچند حزب توده رسواتر و

حاشیه ای تر از آن است که حتی لازم باشد در این گونه موارد توضیح داد، اما حال که خود دارند پرونده مزدوری خود را بخاطر جلب مرحمت کسانی که خود دارند راه فراری را جستجو میکنند، رو میکنند، بد نیست به "حوادث" کردستان در آن دوره اشاره کوتاهی بکنیم. راه توده مینویسد "مساله دیگری که مطرح میکنند مواضع حزب توده ایران در آن سالها، در برابر حوادث کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران است. .. ما بسیار کوشیدیم تا از این ماجراجوییها جلوگیری کنیم. زیرا آن را به سود متزلزلترین و کم نقش ترین نیروهای اجتماعی در جریان انقلاب

می دانستیم. یعنی بخش عمده ای از روحانیون مرتجع و طرفدار زمینداری فئودالی و بازاری های چپاولگر". جالب اینجاست که نمایندگان این سه بخش در کردستان، در جریان مبارزه آزادیخواهانه مردم در دفاع از خود در برابر هجوم مزدوران خمینی و در دفاع از مطالباتی که برای آن رژیم شاه را سرنگون کرده بودند، جزو ایادی رژیم در کردستان بودند و همگام با مزدوران خمینی علیه کارگران و توده مردم به پاخته علیه رژیم اسلامی، میجنگیدند. روحانیون مرتجع یعنی جماعت حاشیه ای سر به "مفتی زاده" بودند که مستقیماً علیه کمونیستها و چپها و صف رادیکال

مردم کردستان توسط خمینی و رژیم اسلامی مسلح و تقویت و پشتیبانی میشدند. طرفداران زمین داری فئودالی که از چند گروه فئودال متعلق به بازمندگان فئودالی تجاوز نمیکردند، توسط جریان به قدرت رسیده خمینی و بعداً رژیم اسلامی علیه کمونیستها و چپها و زحمتکشان روستا در چند نقطه کردستان مسلح شدند که بعداً "پیشمرگان مسلمان کرد" نام گرفتند. هنوز بقایای از آنان در میان مزدوران مسلح رژیم در کردستان باقی مانده اند. لازم به توضیح است که هم جریان "مفتی زاده" و هم این فئودالهای مسلح تاب چند روز مقاومت در برابر توده مردم به پاخته

را نداشته، سریعاً مضمحل شده و به درون مراکز نظامی رژیم اسلامی خزیدند. دسته سوم بازاریان چپاولگر، آنهایی بودند که علناً از خمینی و رژیم اسلامی دفاع و حمایت کرده و بخشا نیز علناً و مخفیانه توسط مقامات و مزدوران رژیم در کردستان مسلح شده و همیشه در شهرها یک پای مقابله با کمونیستها و چپها و کارگران و توده مردم محروم در مبارزه علیه حکومت اسلامی بودند. جریان مرتجع سپاه رزگاری نیز که در سال ۵۸ توسط کومهله خلع سلاح شد و بکلی از میدان بدر برده شد.



## ••• انتخابات •••

چادر، این مظهر بندگی و اسارت زن در اسلام در سنج چه معنائی به جز به لجن کشیدن فرهنگ و ارتجاع اسلامی میتواند داشته باشد. عروسی های مدرن با رقص و آواز، جشن های باشکوه و در کنار جاده ها همراه و با پایکوبی و درست در مقابل پایگاههای مملو از جانوران مسلح اسلامی از پایه تا کرمانشاه و سنج و مهاباد و سردشت و... چه معنائی به جز ابراز تنفر و انزجار از این اوباشان عقب مانده عهد عتیق میتواند داشته باشد؟ تظاهراتی با شکوه و هزاران نفره اول ماه مه و مستقل از فراخوانهای رژیم که نشانی از حضور نیرومند سوسیالیسم در جنبش کارگری، نشانی از انترناسیونالیسم طبقه کارگر و نشانی از رادیکالیسم کارگری است، دقیقاً به معنای ذهن کجی به رژیم اسلامی و فراخوانهایش تو دهنی محکمی به خانه کارگر و مزدوران اسلامی اش بود. در یک کلام جنبش رادیکال مبتنی بر خواستها و مطالبات مدرن سر لوحه

تمام اعتراضات یکسال و نیم گذشته در کردستان از یک طرف و از طرف دیگر شکست سیاستها و اهداف جنبش دوم خرداد و کل نظام جمهوری اسلامی در کردستان بوده است. تمسخر اسلام و آخوند همراه با تعرض به بنیان نظام اسلامی و قوانینش، به نرم جامعه تبدیل شده است. جمهوری اسلامی در ضعیفترین موقعیت خود در ۲۳ سال گذشته در کردستان قرار گرفته است. از این موقعیت باید بیشترین استفاده را برای ضعیفتر کردن و در هم شکستن نظام اسلامی کرد. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی به استقبال انتخابات ریاست جمهوری در کردستان میرود. کاریکاتور انتخابات شوراها اسلامی چند سال قبل به شکست کشیده شد، در فضای سیاسی و روحیه فعال عمومی امروز در کردستان بیشک مضحکه انتخابات ریاست جمهوری فرصت مناسب دیگری در دسترس توده های مردم است تا یکپارچه و یک صدا نه محکمی به جمهوری اسلامی بدهند. این انتخابات میتواند از جانب مردم وسیعاً تحریم

شود و نه تنها آن بلکه باید روز انتخابات و پای صندوقهای رای را به عرصه اعتراض عمومی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد. باید در این روز به جمهوری اسلامی و حامیان خرد و کلانش نشان داد که در دنیای متمدن و سکولار امروزی، که در عصر کامپیوتر و ماهواره، جمهوری اسلامی با تمام قوانین و دم و دستگاه و فرهنگش لکه ننگی بر جامعه انسانی و بشریت متمدن امروز است. جمهوری اسلامی به اعتراف دوست و دشمن رفتنی است، نه گریه و زاری خاتمی و نه خط و نشان کشیدن حزب الله هیچکدام سرسوزنی در عزم راسخ کارگر، زن، جوان و در یک کلام توده به ستوه آمده از حکومت الله در ۲۳ سال گذشته تاثیری نخواهد داشت. جا دارد به چند نکته در حاشیه انتخابات اشاره شود. تا این مقطع حزب دمکرات از اعلام صریح موضع در قبال انتخابات رئیس جمهوری ساکت مانده است. دلیلش روشن است، برخلاف انتخابات شوراها اسلامی که بلافاصله و باهدف جلب ترحم سران دوم خرداد (یعنی

همان قاتلان قارنی و قلاتان و جلادان اعدام انقلابیون و کمونیستها در کردستان) از مردم خواست وسیعاً شرکت کنند، به این دلیل که خود جنبش دوم خرداد که حزب دمکرات اساساً به آن دلبسته بود به شکست کشیده شد و شکاکیت و تردید تاکنونی حزب دمکرات از شرکت در انتخابات از این ناشی میشود. اضمحلال جنبش دوم خرداد و هزیمت سرانش، خواب حزب دمکرات و نیز کل اپوزیسیون پرو رژیم را آشفته کرد. امروز حواریون دوم خردادی در نظام جمهوری اسلامی و اپوزیسیون پرو رژیم به همان اندازه پکر، در مانده و بی افق هستند که خود جنبش دوم خرداد. حال بعد از کاندید شدن خاتمی باید منتظر ماند و موضع این حزب را دید؟ نکته دیگری که لازم است به آن برخورد شود زمزمه شعار از خانه بیرون نیامدن در روز انتخابات است. این اقدام به شدت پسیفیستی است و با سطح انتظارات و جنبش رو به پیش و رادیکال علیه جمهوری اسلامی در کردستان ذره ای خوانائی ندارد. امروز در سراسر ایران و در کردستان مبارزه با جمهوری اسلامی به خیابانها

کوچه ها، محلات کارخانه ها، محلات کارگری، دانشگاهها و مدارس کشیده شده است، درخواست از خانه بیرون نیامدن در روز انتخابات عقب ماندگی از سطح مبارزات مردم و انزوا و بی باوری و بی اعتمادی به نیروی مردم است. روز انتخابات روزیست که مردم میتوانند تجمع کنند، افشاگری کنند، به تظاهرات بپردازند و علناً رژیم را به مصاف بطلبند. در اشکال گوناگون و از هم اکنون در دیوار را باید با شعار علیه جمهوری اسلامی پرکرد، اطلاعیه اقماعی نوشت که چرا نباید در انتخابات شرکت کرد، با دوستان و آشنایان صمیمی و قابل اعتماد گروه و هسته فعال برای دادن اعلامیه و رهنمود تشکیل داد. تجمع در مقابل صندوقهای رای را آگاهانه باید به مارش و تحرک سیاسی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد، این روز را ما باید به روز خودمان تبدیل کرده و جمهوری اسلامی و نظامش با نه محکم خود و با اعتراضات گسترده در وحشت مرگ فرو ببریم. \*\*\*

## نمایشنامه "بی خانمان" در "پارک شهر" سقز به اجرا درآمد

خالد حاج محمدی

از چهار هفته پیش نمایشنامه‌ای به اسم "بی خانمانان" که توسط فاتح صالحی جوان ۲۲ ساله تهیه شده بود، توسط خود او در پارک شهر سقز به اجرا درآمد. این نمایشنامه که حاوی موضعی انتقادی نسبت به مقامات دولتی بود، در مجموع حدود ۷ بار و در روزهای مختلف از ساعت ۶ بعد از ظهر در این پارک اجرا شد. هر بار جمع نسبتاً زیادی از مردم و جوانان شهر به "پارک شهر" رفته و اجرای نمایشنامه را دیده‌اند. استقبال فراوان مردم و ابتکار ماهرانه و اجرای خیابانی آن همراه با موضع انتقادیش، باعث استقبال فراوان مردم شهر از این برنامه شد. اما کاربدستان رژیم و جانبیان اطلاعات که چشم دیدن چنین اقداماتی را ندارند، در هراس از تجمع مردم و تشویق فاتح صالحی از جانب آنان، او را دستگیر میکنند. مزدوران رژیم به این اکتفا نکرده و بدنبال، او را شدیداً شکنجه میکنند به

صورتی که آثار اذیت و آزار هم اکنون هم بر بدنش مانده است.

### مردم مبارز، جوانان!

حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی به شیوه قرون وسطایی به رشد و خلاقیت‌های نسل جوان برخورد میکند. نسل جوانی که نسبت به کارکرد این رژیم معترض هستند، را با ابتکارات فردی و در غیاب استفاده از امکانات مناسب، این چنین بیان کنند. علیه اعمال سرکوبگرانه این رژیم باید ایستاد. هر مورد زندان و شکنجه شهروندان این جامعه از جانب کاربدستان حکومت، باید با اعتراض دسته‌جمعی ما جواب بگیرد. اگر کاربدستان یک مشت جنایتکار حاکم، در آخرین روزهای حکومت خود با زندان و شکنجه می‌خواهند از ما مردم به جان آمده زهر چشم بگیرند و ما را مرعوب و به سکوت وادارند، ما نیز باید با اعتراضات دسته‌جمعی، با دفاع از حقوق ابتدایی و انسانی خود، با رفتن جلو زندانها و اعتراض به اعمال جنایتکارانه

## تحصن کارگران مهاباد...

در این مدت بارها در جمعهای ۴۰ تا ۵۰ نفر برای اعلام اعتراض خود به شهرداری رفته‌اند. مدتی پیش نماینده کارگران شهرداری این فرصت را پیدا کرد و از تلویزیون شهر مشکلات و خواستههای کارگران این بخش را به اطلاع عموم رساند. علیرغم ۳ روز دست کشیدن از کار و تحصن کارگران شهرداری و اعتراضات این مدت، هنوز اقدامی جدی در جهت تحقق خواستههای آنان از جانب شهردار و مقامات دولتی به عمل نیامده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن پشتیبانی از خواست برحق کارگران شهرداری، کارگران و مردم را به حمایت از مبارزه کارگران شهرداری فرا میخواند. ادامه مبارز و تلاش برای بمیدان آمدن متحدانه کلیه کارگران این بخش، اعم از رسمی، غیر رسمی و کنتراتی، راه تحقق خواسته‌ها و مطالبات کارگران شهرداری است.

## اعتراض مردم به اعدام یک جوان در شهر سردشت

\* مراسم خاکسپاری این جوان به صحنه اعتراض علیه رژیم اسلامی و مجازات اعدام بدل شد

روز دوشنبه ۱۷ اردیبهشت آدمکشان جمهوری اسلامی جوانی بنام یوسف قربانی پور را در سه راه بیزیل در نزدیکی شهر سردشت در انتظار خانواده او و مردم خشمگین اعدام کردند. این جوان سه ماه پیش به اتهام قتل که در جریان یک نزاع اتفاق افتاده بود دستگیر شد و علیرغم تلاش فراوان خانواده و بستگان او برای جلوگیری از اعدام او بر اثر اصرار مقامات آدمکش رژیم بر اجرای اعدام، روز ۱۷ اردیبهشت در انتظار عموم اعدام شد. مردم حاضر در این صحنه شنیع، با سر دادن شعار علیه رژیم اسلامی و پرتاب سنگ و آجر بسوی مزدوران آدمکش تنفر خود را ابراز نمودند. همچنین در مراسم خاکسپاری این جوان شمار زیادی از جوانان و مردم شهر سردشت با شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "مجازات اعدام لغو باید گردد!" مراسم را به صحنه اعتراض علیه رژیم و سران آن و کاربدستان و مزدوران محلی آن مبدل کردند. \*\*\*

مزدوران رژیم به فجایع وحشتناکی که در ۲۳ سال گذشته بر مردم ایران گذشته است جوابگو باشند و باید بخاطر همدستی با رژیم کشتار و جنایت، چیزی که خود با کمال "افتخار" به آن اعتراف دارند، محاکمه شوند. شاید در مقابل "خدمات با ارزش" خود به جمهوری اسلامی، در شرایطی که این رژیم هنوز نفسهای آخر را میکشد از سران این رژیم "درجه ترفیع" بگیرند ولی بیشک در دادگاههای مردمی بخاطر همدستی با فجایعی که توسط حکومت اسلامی بر مردم ایران گذشته است، محاکمه خواهند شد.

۸ مه

\*\*\*

با رژیم اسلامی، و حتی در گنجاندن "خودمختاری اسلامی" در گزارش حزب دمکرات به کنگره پنجم این حزب نقش زیادی داشت. کلا شروع تبلیغات حزب توده علیه مردم کردستان، تدارک هجوم خمینی و حمله به کردستان و "تلاش در راه تفاهم" حزب دمکرات با جمهوری اسلامی، پروژه ای بود که با همکاری میانجیگری حزب توده علیه کمونیستها و چپها و صف رادیکال جامعه کردستان تدارک دیده شده و به پیش برده میشود. به این دلیل جمهوری اسلامی و حزب توده مورد تنفر و انزجار عمیق توده کارگر و مردم آزادیخواه کردستانند. راه توده و امثالهم، جزو

باکتریهای لجنزار ارتجاع جمهوری اسلامیند. اینها را هوای آزادی خوش نمایید. اینها زندگی در پناه ارتجاع مذهبی را ترجیح داده اند. حالا هم که مردم عزم جزم کرده اند تا لجنزار ارتجاع مذهبی سرمایه را بخشکانند، اینها با روکردن پرونده سیاه و سراسر ارتجاعی خود دارند بهمراه جمهوری اسلامی گور خود را میکنند. این مزدوران و این ایادی بربریت و وحشیگری اسلامی آنقدر سرنوشت و موجودیت خود را به حاکمیت سیاه رژیم اسلامی گره زده‌اند که فراموش کرده‌اند حقایق مربوط به کارنامهشان، مدارک جرم اینها علیه آزادی و آزادیخواهی است. اینها کسانی هستند که باید بهمراه سران و دیگر

کوره پزخانه های اطراف میاندواب که در آن وقت جلائی پور و گنجی، "یاران قدیمی حزب توده"، نیز در آن دست داشتند را با دهها مورد کشتار و قتل عام دیگر توسط رژیم اسلامی توجیه کند و خلاصه زیر این نامها جمهوری اسلامی را به سرکوب و کشتار مردم کردستان تشویق کند! البته باید اشاره کرد که حزب توده، حزب دمکرات را در زد و بند با خمینی و حکومت اسلامی علیه صف رادیکال این جامعه خیلی "ارشاد" کرد. حزب توده در قبول "رهبری امام" و "لبیک گفتن" حزب دمکرات به خمینی، در اسکورت نیروهای مسلح رژیم در کردستان توسط حزب دمکرات، در مذاکره جداگانه

## ..حزب توده..

میمانده توده کارگر و زحمتکش شهر و روستا و خلاصه صف رادیکال در کردستان که در راس آن کومهله آن دوره قرار داشت. حزب توده اینها را جماعت "پالیزیان"، "آمریکائی" و "وابسته به صهیونیسم" میخواند تا زیر این نام یورش وحشیانه خمینی به مردم کردستان را توجیه کند، بمباران و توپ باران محل کار و زندگی مردم شهرها و روستاهای کردستان، کشتار مردم شهر سنندج و سقز و دیگر شهرها را، اعدام جوانان در شهر مهاباد و سنندج و دیگر شهرها، قتل عام "قارنا" و "قلاتان" و "شهریکند" و "صوفیان" و قتل عام کارگران

# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## تحصن کارگران شهرداری مهاباد

### «کارگران مهاجر»

عجز خود در قبال امر اشتغال برای کارگران و کل جامعه پرده پوشی نمایند و از طرف دیگر نوک تیز تعرض و اعتراضات کارگری را از سر خود برداشته و آنرا متوجه دیگر بخشهای کارگری و توده های محروم جامعه نمایند.

در ادامه چنین سیاستی است که در روزهای اخیر، وزیر کار رژیم اسلامی با وقاحت کم سابقه‌ای که فقط میتوان وقاحت اسلامی نام نهاد، راه برون رفت بحران رژیم و ایجاد اشتغال در ایران را بیرون راندن سه میلیون (اتباع بیگانه) قلمداد میکند که منظورشان کارگران مهاجری است که در افغانستان و یا عراق متولد شده‌اند. این جناب وزیر و دیگر مقامات رژیم جنایت در ایران میخواهند تاوان تمام گندکاريهای خود، اختلاس و دزديها و ثروت‌اندوزيهای خود و نیز ناتوانی در ایجاد اشتغال و فراهم کردن شرایط یک زندگی مناسب برای شهروندان ایرانی را بگردن کارگران و توده های شريف و محروم مهاجر مقیم ایران بیندازند و طوری وانمود کنند که با کنار زدن این نسل بخت برگشته میتوانند مثلاً چند صد هزار شغل جدید به کارگران بیکار ایران پیشکش کنند!

این جنایتکاران هر چند وقت یکبار با دست بردن به این تبلیغات فاشیستی و نژادپرستانه برای گریز از پاسخگویی به مطالبات برحق کارگران و مردم ایران تلاش می کنند تا افکار عمومی را علیه ضعیفترین بخش جامعه یعنی کارگران مهاجر

کارگران شهرداری مهاباد در اعتراض به عدم پرداخت حقوق سه ماهه و پرداخت نشدن حق بیمه دوساله، از ۱۲ اردیبهشت به مدت سه روز در جلو شهرداری متحصن شدند. کارگران متحصن که

حدود ۵۰ نفر بودند، از اوایل اردیبهشت مرتب با شهرداری مهاباد در بحث و جدل بوده‌اند. شهردار هر بار قولهایی به کارگران داده که هیچوقت عملی نشد. با توجه به بیکاری وسیع کارگران و جهت استفاده از نیروی

به افغانستان، این سرزمین ویران شده تحت حاکمیت گله ای دیگر از آخوندهای قرون وسطائی مجبور به بازگشت نماید. این اقدام مشترک جمهوری اسلامی ایران و کمیساریای به اصطلاح عالی امور پناهندگان سازمان ملل در دو سال اخیر بارها از طریق آکسیونها و تجمعات، اطلاعیه ها و نامه های اعتراضی از جانب حزب کمونیست کارگری ایران و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی مورد افشاگری و اعتراضات جدی قرار گرفته است که این امر البته مستلزم دخالت و اقدام هر چه بیشتر افراد، احزاب، تشکلهای مترقی و انساندوست و بویژه تشکلهای اتحادیه های کارگری در سراسر جهان است.

تراژدی دردناک و شرم آوری است! در آغاز قرن بیست و یکم مشتی آخوند جنایتکار در ایران با در دست داشتن ابزار قدرت کاسه صبر و تحمل شان از وجود سه میلیون انسان مهاجر محروم از همه چیز لبریز شده، انسانهایی که برای یک زندگی بخور نمیر خود و فرزندانشان به شاقترین کارها در مقابل دستمزد ناچیز و تبعیض و اجحاف و موقعیت شهروندهای درجه دوم و فاقد هر نوع حقوق مدنی به استثنای کارفرمایان تن میدهند. رژیم اسلامی ایران میخواهد بخش عظیم این نسل محروم یعنی مهاجرین افغان را به دامان یک حکومت اسلامی دیگر در قبایلی بمراتب چرکین تر با آخوندهائی بمراتب ریش درازتر بیندازد، جنس و نوعی دیگر

کار ارزان و ایجاد چند دستگی میان کارگران، شهرداری مهاباد از استخدام رسمی بخشی از کارگران علیرغم سابقه چند ساله کار خود داری کرده و در همین رابطه ۴۲ نفر از کارگرانی که

از جانوران اسلامی که نه تنها تحمل انسان بلکه تحمل سنگ و مجسمه های سنگی چند هزار ساله را هم ندارند! و یا بخش دیگر مهاجرین را که یا از جنوب عراق و گریخته از جور و ستم رژیم هار صدام گریخته و یا از کردستان عراق، این اردوگاه عظیم آوارگان پس از جنگ خلیج، جغرافیایی فراموش شده در مناسبات بین المللی و میدان تاخت و تاز چماقداران ناسیونالیست و راهزنان سیاسی‌ای چون جلال طالبانی و مسعود بارزانی که آقای بوش بقایای تکه های فرسوده و زنگ زده ای از مدالهای صدام را به سینه اشان زده است، سران رژیم جنایت ایران میخواهند این مهاجرین محروم را به این دنیای برهوت و تهی شده از هر نوع مدنیت و تحت سیطره جانورانی ازقماش خود پرتاب کنند.

در اجرای این برنامه ضد انسانی، سازمان ملل هم مهاجرین افغان مقیم ایران را به بهشتی موعود در آنسوی مرز وعده میدهد که خود این سازمان بنا به مصالح روز آمریکا با اجرای طرح محاصره های اقتصادی طولانی مدت در افغانستان به فقر و خشکسالی و مرگ و نابودی بیشتر مردم آنجا دامن زده است و در عراق با مقرر ساختن محاصره اقتصادی و قطع ارسال دارو و حتی شیر خشک مرگ صدها هزار کودک خردسال را موجب گشته است. اما کارگران و توده های محروم مردم ایران با وجود

به صورت کنتراتی برای یک پیمانکار در شهرداری کار میکردند، بجای پرداخت حقوق، چک بی اعتبار تحویل گرفته و نتوانسته‌اند پولی از بانک دریافت کنند. کارگران

صفحه ۳

تحمل تمام مشقات و محرومیتها، بسیار هشیارتر از آنند که فریب ترفندها و خزعبلات این حضرات آخوند فریبکار را خورده و به هم طبقه ای و هم سرنوشتانشان یعنی طبقه کارگر افغانستان و عراق و مهاجرین محروم پشت کنند و علت وجود بیکاری را در وجود آنان بدانند. کارگران کردستان در قطعنامه اول ماه مه امسال با صراحت موضع خود را در برابر سیاست فاشیستی رژیم در بند نهم به این صورت اعلام کردند: «هرگونه اعمال سیاست فاشیستی و تبعیض آمیز علیه کارگران مهاجر را محکوم میکنیم».

اینجا دیگر منبر حسینیه و بساط سینه زنی عاشورا نیست که بسیجیان مومن و عاشقان راه کربلا در ختم خطبه آخوند با احساسات اشک ریخته و راه جهاد در پیش گیرند. اینجا میدان همبستگی و اتحاد طبقه کارگر وهم‌سرنوشتی توده های محرومی است که منافع طبقاتی مشترکی دارند، نسلی که در دو سوی مرزهای غربی و شرقی ایران یعنی عراق و افغانستان با فرهنگ، درک و درد مشترک تلاش خواهند کرد تا با اتحاد و مبارزه خود جاهلان و حاکمان اسلامی را بزیر کشیده و با سرنگونی پیکر حکومت توحش و بربریت اسلامی در کل منطقه ونوجه کاندگسترهای ناسیونالیست، ندای رسای آزادی، برابری را سر داده و حکومت کارگری را پایه ریزی نمایند.

هشتم ماه مه ۲۰۰۱

\*\*\*

آدرس سایت روزنامه  
اینترنتی روزنه:  
www.rowzane.com

### کمیته کردستان

رحمان حسین زاده، دبیر کمیته ۸۳۷ ۸۵۵ ۲۳۹ ۰۰۴۶

Email: r\_hoseinzadeh@yahoo.com

Fax:0044 870 133 7209

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!